

مقدمه

تأمل در پژوهشهای اجتماعی از منظر معرفت‌شناختی^۱ در ایران نشان می‌دهد در عرصه معرفت علمی، رهیافت عقلانیت غیرانتقادی غلبه دارد. تجربه^۲ روشی برای اثبات فرضیات علمی تلقی و از رهیافتهای دیگر مثل عقلانیت انتقادی غفلت می‌شود. علاوه بر آن از حیث روش‌شناختی، شواهد نشان می‌دهد که برخی از پژوهشهای انجام شده مسئله ندارند. برخی از پژوهشگران تحقیق تبیینی را با سؤال آغاز می‌کنند و گاهی سؤال را بر رابطه علی یا متقارن میان دو واقعیت تجربی استوار می‌سازند. اغلب مشاهده می‌شود دانشجویان در انتخاب تئوری مناسب دچار سردرگمی می‌شوند. در بعضی از تحقیقات بدون توجه به نوع مسئله و سطح تحلیل آن، تئوریهای زیادی گردآوری و همانند توده‌های ذره‌ای شده^۳ در متن قرار داده می‌شوند. همچنین در برخی از پژوهشها میان مسئله تحقیق و استدلال نظری (تئوری) و نیز میان استدلال نظری و استدلال تجربی ربط منطقی مشاهده نمی‌شود. پژوهشهایی وجود دارد که در آنها قاعده نظم قیاسی در فرضیه‌سازی رعایت نشده است. اغلب دو مقام تجربه با هم آمیخته می‌شوند؛ یعنی تجربه در مقام گردآوری، از تجربه در مقام داوری تفکیک نمی‌شود. به دلیل غلبه عقلانیت غیرانتقادی، تئوری انتخاب شده برای تبیین واقعه مورد تحقیق، تئوری‌ای استقرار یافته^۴ تلقی می‌شود و از طریق شواهد مثبت تأیید^۵ آن جستجو می‌شود. البته این نوع مسائل روش‌شناختی^۶ در همه تحقیقات ایران مشاهده نمی‌شود؛ با این حال شواهدی وجود دارد که

-
1. epistemology
 2. experimentation
 3. atomized
 4. established theory
 5. confirmation
 6. methodological problems

مشکلات مذکور در آنها صادق است. از دیگر مسائل روش‌شناختی موجود در حوزه علم اجتماعی، غفلت از خطاهای اندازه‌گیری، مسئله فرضیه توصیفی، مسئله عینیت و تقابل روشهای کمی و کیفی است. طبق چهارچوب دستگاه معرفتی این کتاب (عقلانیت انتقادی) در ایران با مشکل معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در حوزه علم اجتماعی مواجهیم. این نوشتار تلاشی در جهت حل این نوع مسائل از طریق استدلال منطقی و روش‌شناختی است.

این کتاب بر مبنای رهیافت عقلانیت انتقادی نوشته شده است. مهم‌ترین هدف کتاب تنظیم دستگاهی معرفتی برای حل مسئله علمی است. اندیشه‌محوری در نوشتار حاضر آن است که پژوهش علمی با مسئله آغاز می‌شود. حل مسئله را بر دو نوع تلاش استوار ساخته‌ایم: یافتن راه‌حل نظری از طریق استدلال عقلانی (قیاسی) و داوری انتقادی در باب آن راه‌حل از طریق استدلال تجربی (استقرایی). در این نوشتار بر این نکته تأکید شده است که استدلال عقلانی راه‌حل موقت مسئله را ارائه می‌دهد و داوری در باب صدق یا کذب آن راه‌حل، در پرتو استدلال تجربی نقادانه انجام می‌گیرد. این دو نوع استدلال مبتنی بر شیوه آزمون و خطاست. در حقیقت در دستگاه معرفتی ما استدلال عقلانی و تجربی همزیستی مسالمت‌آمیز دارند. با وجود این، اصالت با استدلال نظری است. استدلال تجربی در ادامه استدلال نظری قرار دارد. این استدلال ابزاری برای داوری در باب صدق یا کذب استدلال نظری است.

یکی از مهم‌ترین مباحث این کتاب در باب مسئله و مسئله‌یابی است. در اینجا به دو سؤال روش‌شناختی پاسخ داده شده است: مسئله علمی چیست و چگونه می‌توان مسئله‌یابی کرد؟ در پاسخ به سؤال اول پس از استدلال در باب مسئله دو نوع آن از هم تفکیک گردیده است؟ مسئله تئوریک و مسئله اجتماعی. در پاسخ به سؤال دوم دستگاه مسئله تئوریک در دانش علمی و منبع مسئله اجتماعی در واقعیت جستجو شده است. در ادامه منطق حل مسئله علمی در قالب مدلی چهار مرحله‌ای فرموله شده است: مرحله اول) فرموله کردن مسئله؛ مرحله دوم) تبیین تئوریک مسئله؛ مرحله سوم) عملیاتی کردن؛ مرحله چهارم) تبیین تجربی-انتقادی.

از نظر روش‌شناختی برای تجربه دو مقام قائل شده‌ایم: مقام گردآوری و مقام

داوری. تأکید شده است که مقام گردآوری تجربه جدا از مقام داوری آن است. روشهای تحقیق آزمایشی، پیمایش اجتماعی، میدانی (اتنومتدلوژی، اتنوگرافی و منوگرافی)، تاریخی، تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا روشهایی است که تجربه (مشاهده) در مقام گردآوری شواهد تجربی به کار می‌گیرد. تحلیل تجربی را معادل مقام داوری تجربه و روشهای تحلیل تجربی را برابر روشهای داوری گرفته‌ایم. روشهای تحلیل به روشهای کمی، کیفی و تلفیقی طبقه‌بندی شده‌اند. در اینجا استدلال شده که روشهای تحلیل کمی از ابزارهای دقیق اندازه‌گیری هستند. اساساً استفاده از تکنیکهای کمی برای داوری، درجه عینیت را افزایش می‌دهد. با وجود این گفته شده است که تحلیل کمی بی‌نیاز از تحلیل کیفی نیست. تحلیل کیفی به یافته‌های کمی بسندگی معنایی می‌بخشد؛ بنابراین اگر تحلیل کمی با تحلیل کیفی همراه گردد، داوری تجربی در باب فرضیات تواناتر می‌شود. در این کتاب، منطق دقیق‌ترین و تواناترین تکنیکهای تحلیل کمی، آموزش داده شده است. این تکنیکها عبارت‌اند از: همبستگی، تحلیل رگرسیون، ضریب همبستگی نیمه تفکیکی، ضریب همبستگی تفکیکی، تحلیل مسیر و تحلیل همبستگی کنونیکالی. کاربرد این تکنیکها را با استفاده از نرم‌افزار «SPSS» آموزش داده‌ایم. در باب منطق تحلیل کیفی باید گفت در اینجا تحلیل در سه سطح مطرح شده است: (۱) توصیف؛ (۲) تبیین؛ (۳) تفسیر. شیوه تحلیل در هر سه سطح توضیح داده شده است. در ادامه، کاربرد روشهای تحلیل کمی در تحلیل داده‌های آزمایشی، پیمایشی، آمارهای موجود و داده‌های تحلیل محتوا و کاربرد روشهای تحلیل کیفی در تحلیل داده‌های تحلیل گفتمان و داده‌های تاریخی آموزش داده شده است. علاوه بر آن شیوه کاربرد تحلیل تفسیری را در تحلیل داده‌های تحلیل محتوا نیز آموزش داده‌ایم. تحلیل تطبیقی یکی دیگر از روشهای مورد بحث در این کتاب است. در اینجا پس از بحث در باب منطق تحلیل تطبیقی و تفکیک آن از انواع تحلیلها شیوه تحلیل تطبیقی داده‌های پیمایشی و داده‌های تاریخی بررسی شده است.

در اینجا باید اذعان کرد این اثر از آموزه‌ها و کار جامعه‌شناسان و فیلسوفان

علم کلاسیک و معاصر تأثیر پذیرفته است. آموزه‌ها و رهنمودهای عالمانه استاد آزاد ارمکی یکی از زمینه‌های ورود من به حوزه روش‌شناسی و روش تحقیق گردید. با الهام از ایشان بر اهمیت تئوری در تحقیق اجتماعی تأکید کرده‌ام. رهیافت عقلانیت انتقادی کارل پوپر وسیله‌ای برای تنظیم فکر من در باب روش علمی بوده است. از استاد چلبی آموختم روشهای ریاضی دقیق‌ترین ابزار اندازه‌گیری مفاهیم و تحلیل تطبیقی مهم‌ترین شیوه تحلیل تجربی است. با الهام از سروش مقام گردآوری تجربه را از مقام داوری آن تفکیک کردم. از همپل تبیین قیاسی-قانونی را آموختم. با الهام از استاد سرایی بر این ایده تأکید کرده‌ام که فرموله کردن مسئله مهم‌ترین گام در فرایند پژوهش علمی محسوب می‌شود. با الهام از وبر تفسیر را بر رهیافت تبیینی خود افزودم. دکتر سید حسن حسینی، استاد دانشگاه تهران و همسر من سردی زاده با دقت نظر این اثر را مطالعه کردند و در رفع کاستیهای آن کوشیدند؛ دکتر سیدمحمدعلی حجتی در مواقع نیاز با خردمندی پاسخگویی من بودند؛ افراد بسیاری یاری‌ام کردند و به این وسیله مایلم مراتب قدردانی و سپاس‌گزاری خود را از ایشان و افراد زیر اعلام کنم:

رضا عبدالرسولی کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی «سمت» که با مسئولیت‌پذیری فراوان کار پیگیری چاپ و نشر این اثر را بر عهده گرفتند؛ محمود جوان مدیر واحد تدوین منابع درسی و علمی با وجود حجم بالای کار، با اخلاق حرفه‌ای قابل تحسین، مسئولیت‌امور فنی و نظارتی نشر این اثر را عهده‌دار بودند. حامد نوروزی، مرجان رئیس میرزایی و محبوبه محمدی هر یک با دقت نظر این اثر را به ترتیب، ویرایش، کنترل فنی و صفحه‌آرایی کردند. علاوه بر اینها مژگان امیری، زهرا محمدیان و فاطمه لشکری‌نژاد نیز نمونه‌خوانی و بازبینی نهایی کتاب را انجام داده‌اند.

در خاتمه جا دارد بر این نکته تأکید کنم که بی‌شک میزان موفقیت ما در این کتاب به ارزیابی صاحب‌نظران و خوانندگان بستگی دارد. امید آن دارم که داوری نقادانه خردمندان سرآغاز تلاش نو در پرتو معرفت جدید باشد.

علی ساعی

شهریور ۱۳۸۶